

یادداشت‌های پراکنده



سید علی محمد دولت آبادی لیدر اعتدالیون

میکرده است چیزی غریب و شریری عجیب
بوده.

حبیب‌اله میرزا رئیس تلگرافخانه برادر
شیخ‌الرئیس وکیل دارالشورا که آنهم بواسطه
عمل تلگرافخانه منشأ خیانتها بوده است.
خبر دیگر سرحدار استرآباد را روسها گرفته
توقیف کرده‌اند که محمد علی میرزا بفرانت

اخبار مازندران : ازقراریکه ۲۱
رمضان ۱۳۲۹ خبر رسید روز ۶۰ چهار نفر
از روسا و اشرار که منشاء فتنه و فساد مازندران
بوده‌اند سرداران یکی حکم کرده تیر باران
نمودند از جمله آنها شیخ غلام مازندرانی است
که در لباس اهل علم و اشرار نامی آنجاست
همیشه با حکام سازش داشته ب مردم اذیت

بتوانند عبور کنند اسماعیل خان و مرادخان در محاصره هستند و کارشان بزودی فیصل خواهد شد امیر مکرّم هم بار دو آمده تسلیم شده است او ابتدا به روس پناهنده شده بود ولی اخیرا بار دو آمده است.

اخبار فارس: از روزیکه نظام السلطنه در ثانی بحکومت فارس منصوب شد از طرف عرب و بهار لوسه هزار نفر سوار نزد یک شیراز آمده از طرف صولت الدوله و خود نظام السلطنه استعدادی معادل همین جمعیت و زیادت در یکطرف فارس حاضر شدند در این اوقات کار آنها به دو خورد رسیده و الان که روز ۲۲ رمضان است چندین دفعه خیر جنگ و نزاع شهرت نموده از جمله جنگ چهار روز قبل است که دوازده نفر میگویند مقتول دادند و نظام السلطنه از باغ شمال شهر شیراز را توپ بسته است بهر که تکلیف حکومت فارس را میکنند قبول نمیکند و علتش اغتشاش امر آنجاست که مشکل است حکومت بتواند آنجا دوام بیاورد از جمله بفرمانفرما گفته اند او انکار کرده است.

در این ایام که عرش وسط ماه رمضان ۱۳۲۹ است امر آذربایجان بسختی منجر شده و کاریک صورت موحشی داده روسها علانیه در کار آنجا دخالت میکنند اهالی شهر تبریز يك استعدادی برای خود حاضر نموده که با آن استعداد از حملات صمدخان بخوبی میتوانند جلو گیری کنند روسها اصراری دارند که جنگ وجدال را باید از شهر خارج نموده در خارج شهر باید بروند نزاع کنند و اگر در داخل شهر نزاعی شود ما اتباع خودمان را مجبوراً حفظ خواهیم کرد.

معلوم است در صورتیکه آنها بحفظ اتباع خودشان مجاز باشند و قزاقهای روس مشغول کار شوند در حقیقت حفظ صمدخان را خواهند کرد در مرزهای قشون ملی و بیشک

با ملت طرف خواهند شد. در خارج شهر تبریز يك جنگ مختصری واقع شده ولی جزئیات آنرا اطلاع ندارد. صمدخان در ۲۳ ماه رمضان يك جنگ با اهالی آذربایجان نمود در آن جنگ سه سنگر از سنگرهای خود را خالی کرده عقب نشست بطوریکه تا دو سه روز دیگر نتوانست بآن طرف دیگر حمله بیاورد بنفصله سه روز از طرف دیگر حمله آورده بطوریکه طرف مقابل را غافل نموده باشد در این دفعه گویا تا خیابان شهر هم آمده بودند ولی از سنگرهای شهر چنان بر آنها گلوله باریده که دو نفر را گذارده خیابان را تخلیه نموده شهر را هم رها کردند و باز بمقام اول عود نمودند.

چهارمین جنگ آنها صبح روز سوم شوال ۱۳۲۹ بود که دو ساعت بطول آفتاب مانده اطراف شهر را گرفته یکم تبه شروع بشلیک میکنند در این موقع تصور کرده بودند که قوای دولت غافل میباشد ولی خواب نبوده غفلت نداشته بانهایت مردانگی ایستادگی کردند و تار و پود اش را را پراکنده کرده یکصد و پنجاه نفر مقتول در میدان گذاردند و پس از آن دکلی فرار را برقرار اختیار کردند.

سالارالدوله: سالارالدوله در مدت اقامت کرمانشاه و توقف ملایر و آمدن عراق سه تلگراف به مجلس نموده در تمام اینها تخویف و تهدید داشت خصوصاً دومی آنها که خبر بیست و پنج هزار تومان جایزه کشنده او را داده بودند که و کلا رأی دادند برای گیرنده و کشنده محمد علی میرزا صد هزار و شماع السلطنه ۲۵ هزار تومان بدهند يك تلگراف سختی به مجلس کرده بود و بالاخره گفته بود چاره شما توسل به اعلیحضرت محمد علی میرزا است و انجام کارها بدست ایشان والا ندانسته وصل خواهید نمود وعده آمدن خودش را بتهران داده بود بعد از جنگ ملایر

که با امیر مخم کرده و تجدید میکنم نوشتن شرح آنرا سالارالدوله وارد ملا بر شد و پیش قراول خود را بعراق فرستاد در اینموقع هم باز تلگرافی کرده تقریباً اولتیماتوم داده بود ولی وقتی رسید که محمد علی میرزا هم فرار کرده بود سیف الدوله را سالارالدوله حاکم عراق کرد و خودش از عقب حرکت نمود که بتهران بیاید و از آنجائیکه خیلی مفرور باردوی خودش هست و مستبدین هم تایلک درجه کار را ملی تصور میکنند خیلی حرارت بخارج میدهند در عشر وسط ماه رمضان ۱۳۲۹ دولت قوای خود را حاضر برای دفاع کرده رؤسای بختیاری تمام قسم خوردند که یا کشته شوند یا فتح و نیز قرار گذارده اند که تاجان دارند بکشند که غارت واقع نشود و نگذارند مال مردمان بیطرف از بین برود.

شب ۲۸ رمضان سردار جنگ و مرتضی قلیخان بطرف قم حرکت کردند فردای آن شب وارد قم شده اردوی خود را که مرکب از ۱۵۰ نفر بختیاری و مقداری رژیمان و توپخانه باشد بطرف ساوه حرکت دادند کسان سالارالدوله هم در نوبران که در خاک ساوه است وارد شده پیش قراولان او در خود نوبران میباشند. روز غره ماه شوال ۱۳۲۹ این اردو با پیش قراولان آنها مصادف شده اردوی آنها را شکست داده عقب نشانده اند و ساوه را متصرف میشوند از طرف تهران هم روز آخر ماه رمضان سردار محتشم و سردار بهادر و مسوپیرم خان با ۱۵۰ نفر بختیاری و مجاهد و ژاندارم و توپخانه و غیره بطرف رباط کریم حرکت کرده از راه نوبران بسا سالارالدوله مقابله می کنند این اردو هم در کمال عجله رهسپار بوده عاجلاً خود را نزدیک کردند. اما وضع تهران چون احتمال قوی میرفت و میرود که سالارالدوله يك عده از

سواران خود را در مقابل اردوی دولتی گذارده خودش از طرف دیگر وارد تهران شود لهذا اولیاء امور استحکامات شهر را در این موقع زیاد نموده بر عده جمعیت خود میافزایند از احزاب سیاسی ششصد نفر داوطلب خواسته این کار را احزاب بزودی حاضر شده دسته دسته تسلیم فرمانده کل که امیر مجاهد و معاون او که یکی از صاحب منصبان سوئدی است میباشد.

اردویی که از تهران حرکت کرد روز دوم باششصد نفر از پیش قراولان و پیش جنگهای سالارالدوله مقابل میشو ند پیش قراولان بدون جنگ فرار میکنند اردوی دولتی عزیمت این را دارد که با خستگی ده فرسنگ راه پیموده است آنها را تصاحب کند ولی سرداران تصویب نموده شب را در سر آسیا که نزدیک زرنداست توقف میکنند و اول طلوع آفتاب روز ۴ شنبه ۳ بطرف اردوی سالارالدوله حرکت بنمایند سالارالدوله خود را بکوهی کشیده از صبح ۴ شنبه مشغول جنگ میشوند. سردار ظفر و سردار جنگ از یکطرف باد او دخان کلهر و شیر خان سنجایی مشغول جنگ شده این دو پیش جنگ اردوی سالارالدوله بودند خبر رسیده که نظر هم خودش داوطلب شده و در این جنگ داخل شده است با کلهر و سنجایی و غیره که پیش جنگ بودند سردار ظفر و سردار جنگ خوب جنگیده هشت ساعت مدت جنگ با حضرات تنها رامیکرده اند تا آنکه هفتاد نفر از آنها کشته میشود و فرار میکنند ولی نظر باز مقاومت نموده مشغول جنگ بوده است. در اینموقع اردوی سردار بهادر و سردار محتشم و پیرم میرسد و از طرف دیگر مشغول جنگ میشوند دو ساعت جنگ آنها به طول میکشد تا آنکه از اطراف اردو عقب می نشینند و فرار میکنند نا کار بجائی میرسد که چادر و لوازم خود

را گذارده کشته و مرده‌های خود را افکنده متفرق میشوند. در این جنگ از اشرار صادم لشکر و ضرغام لشکر و معاون لشکر کشته شده‌اند و از طلا و سرباز و غیره چهار صد نفر مقتول شده‌اند از اردوی دولتی ده نفر مقتول و مجروح شده‌اند پنج عراده توپ و یکصد نفر اسیر و صدها هزار تومان اسباب حتی چادرهای آنها در میدان افتاده نصیب اردوی ملت شد. صد نفر زیادتر اسیر آورده‌اند. تلگرافیکه از نوبران در این موضوع رسیده این است بطور خلاصه سالارالدوله دوساعت به روز مانده ۳ شوال ۱۳۲۷ که روز جنگ بوده وارد نوبران میشود معاون لشکر نیم جانی داشته بر سراو آمده میگویی «معاون خان غصه نخور اگر تو بمیری من هستم که تلافی بکنم» اردوی شکست خورده آنها که همان روز بنوبران میرسد شب را در نوبران توقف میکنند که تنمه اردوی آنها برسد و راحت نمود از آنجا بطرف همدان بروند در آن شب که توقف کرده‌اند اتباع غارت زده شکست خورده بر سر اهالی نوبران چه آورده‌اند خدا میداند در البورت بتلگرافی میگویی دوسه نفر را شب کشته‌اند یک پیر مرد و دو نفر دختر هفت ساله دیگر از بی‌عصمتی کوتاهی نکرده‌اند. مردم در تلگرافخانه متحصن شده‌اند زنها و مردها اجتماع نموده در موقعی که اشرار به تلگراف خانه حمله می‌آورند از بام بسانک و چوب آنها را دور میکنند.

فردای آن روز که پنجشنبه است حاجی علی رضاخان گروسی وارد نوبران میشود ولی وقتی میرسد که اردو و خود سالار الدوله از نوبران حرکت نموده بودند از قراریکه را بورت داده‌اند سالارالدوله شبانه فرار کرده بقیه اردوی او هم روز پنجشنبه حرکت میکنند حاجی علی رضاخان وقتی

وارد میشود اهالی نوبران و دهات اطراف جمع شده دو نفر از آنها را میکشند و دو توپ که داشته گرفته تمام اموال آنها را غارت میکنند مشارالیه با کمال اقتضاح از آنجا فرار میکنند.

امیر مفخم و سرراران این دو وارد در تعاقب اشرار خواهند رفت. از قرار راپورت امیر مفخم و امیر نظام همدانی هر دو در نوبران بوده و قبل از ورود سالارالدوله خیر شکست را شنیده فوراً فرار مینمایند. اردوی دولتی سه شنبه ۹ شوال ۱۳۲۹ وارد همدان شد سالارالدوله قبل از ورود آنها نفاصله دوساعت فرار مینماید. در صورتیکه قبل از ورود آنها باغات همدان را سنگر بسته عازم جنگ بود افسوس دارم که اردوی دولتی که مرکب از بختیاری و غیره بود با زبدهات همدان تجاوزات جابرانه نموده از شهر و اطراف غارت و شرارت خیلی کرده‌اند. افسوس ندارم که در انتظار خارجه این حرکات چه اثری دارد ملائمت از اینستکه برای مردمان بیطرف چه واقعه شده است و چه گذشته است که مسیوپیرم از بختیارها جدا شده و بطرف تهران حرکت نمود و گفت اگر تمام عمرم در یک معبدی عبادت کنم جبران این گناهانم را نخواهد کرد.

در بین راه پیرم مصادف با امیر آخور احتشام الدوله شده آنها بخيال کشتن او بوده‌اند.

میراخور احتشام الدوله جوان رشیدی بوده با پنجاه شصت نفر از اشرار در يك تپه محکمی دو محل را سنگر کرده که در وقت عبور کار پیرم را بسازند و در این دو محل جنگ سخت واقع شده و بالاخره پیرم آنها را مغلوب نموده و جمعیت آنها یا کشته یا اسیر شدند ولی در این موقع بر اتباع پیرم

کارسخت شده و یک نفر از رشیده‌های آنها کشته شد .

یزد - فخرالملك حاکم یزد در اوایل آمدن محمد علی میرزا شکست خورده و سالارالدوله باهزارسوار و پیاده بطرف تهران عازم شد فخرالملك احمق عرق استمدادشان جنبیده روز ۱۹ رمضان ۱۳۲۹ به امامزاده میرود و از عقب سراواشارا شهر و اجزای نظمیهدق سلطنت محمد علی میرزا را بلند کرده و روبرف امامزاده میروند . بیدق را بالای سر امامزاده نسب نموده اعلان سلطنت استبدادی میدهند و مشروطه خواهان را لعن میکنند . حکومت یزد به شهابالدوله واگذار میشود ایشان حکومت را به مشیر - الممالک واگذار مینماید

نایب حسین کاشی : از قراریکه سابقا هم اشاره شده نایب حسین کاشانی با پسر ضیغم السلطنه نزاع نموده و بالاخره کاشان را متصرف شد و رژیمان باو تسلیم شد . از تهران سیصد نفر قزاق مأمور دستگیری اوشده روز ۱۹ شوال وارد کاشان شدند در نزدیکی کاشان بانایب حسین جنگ می کنند . نایب حسین چون طرف را قوی ملاحظه می کند

گویا از طرف او هم کشته زیاد بوده است پس از منلوبیت فرار نموده بشهر وارد می شود و از آنجا اموال خود را برداشته بطرف خاله آباد فرار مینماید .

میگویند بختیار بهائیکه از اصفهان می آمده اند با او همراهی کرده والا دستگیر میشد .

صدق و کذب معلوم نیست بعد از دوماه باز نایب حسین از اردستان و غیره مراجعت نموده و در اطراف کاشان بنای غارت را گذارد معین همایون و ابوالقاسم خان مأمور دستگیری اوشدند پولی هم از دولت گرفته رفتند و بهیچوجه متعرض اونشده دوتوب دولتی را برداشته سردار فاتح (معین همایون) به بختیاری رفت بالاخره اهالی کاشان خودشان بانایب حسین ساخته ازدولت توسط آقا میرزا سیدحسن مدرس اصفهانی و شبیبانی خواستند که او را عفونمده پسرش را باو بدهند و اوهم مشغول خدمت بدولت باشد و همینطور شد . در عفر وسط صفر ۱۳۳۰ شبیبانی وکیل پسر او را برداشته بکاشان برد اوهم بکاشان آمده تسلیم شد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

